



ایرج فرزاد
iraj.farzad@gmail.com

یک سرخط، یک سر مشق نتایج "انتخابات" عراق

رفتند و حکومتی را با یک پایه قدرتمند مذهبی و دارای پیوندهای محکم با همسایه بغل دستی، جمهوری اسلامی، انتخاب کردند. این آخرین حاصل سیاسی است که تاکنون از نظر مالی ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه داشته است" (رابین رایت، واشنگتن پست، ۱۴ فوریه)

انتخابات حتی یک کرسی هم نصیب خود نکرد. وقتی جامعه عراق را به اکثریت شیعه و اقلیت سنی و اقوام و قبایل کرد و عرب و آشوری و کلدانی و تکریتی و غیره تقسیم میکنند و دمکراسی شان را با این تعلقات غیرمردمی اندازه میگیرند، چاره ای ندارند جز اینکه در برابر نتیجه انتخاباتی که بر اساس این تقسیم بندی جعلی شهروندان یک جامعه برپاشده است، تسلیم شوند. عدنان پا چه چی، تربیت شده سیا هست، اما در جدول تقسیم شهروندان جامعه عراق به گروههای قومی و مذهبی، در این دکان دمکراسی که متاعهای جعلی و تقلبی را میفروشند، خریدار ندارد. خودشان میگویند آدم قبل از آنکه آدم باشد، متعلق به یک خاک است، مذهبی است و قومیت و ملیتی دارد و دمکراسی شان موازنه و رژه این تعلقات وارونه است. این معنی واقعی دمکراسی و انتخابات بر اساس تعلقات و باورهای خرافی منتسب به شهروندان جامعه عراق است. در میان بهت و حیرت مهندسين سياست تغيير رژيم معلوم شد که علیرغم این

جالب است، ۳۰۰ میلیارد دلار را خرج کردند که آیت الله "عظما" سیستانی و موتلفین اش، و دوستان جمهوری اسلامی در میان "کرد" ها را به قدرت برسانند، بیش از ۱۵۰۰ سرباز و پرسنل آمریکائی را به کشت دادند تا به این نتیجه برسند. و همین ریاست و مدیریت جناب بوش در خود آمریکا، به حقوق شهروندان تعرض میکند، از بیمه ها و خدمات دولتی میزند و گونه خود را هم سرخ میکند که هر چه باشد دارد دمکراسی آمریکائی و ارزشهای دمکراسی آمریکائی را حفاظت میکنند! اما اینها توجیحات پس از شکست سناریو اولیه حکومت آمریکاست. نقشه شان این بود که از میان دست پروردگان سیا، و از میان "دوستان بسیار نزدیک و قابل اعتماد نهادهای جاسوسی و وزارت دفاع آمریکا، از میان "تبعیدبان عراقی"، مهره های امتحان پس داده در کوردهای سیا، کسانی مثل عدنان پاچه چی، حکومتی دوست با اسرائیل و ناسازگار با رژیم اسلامی را به هر طریق سرهم بندی کنند. عدنان پا چه چی در این

در باره "انتخابات" عراق تحلیلهای زیادی را شاهدهیم، از پیروزی "دمکراسی" گرفته تا صحت سیاستهای "کردی" در این مراسم و تا آشنا کردن ما با تاریخ و تا معانی جدیدی از حق بشر و شیوه های اعمال اراده انسانها در جامعه.

اما در این روزها در ورای شوق و ذوق تحلیل گران دست چندی از این واقعه، دو روزنامه که معمولاً نبض سیاسی معماران وضع کنونی عراق را مدام اندازه میگیرند، روزنامه های واشنگتن پست و اکونومیست، تحلیل خود، و تحلیل اوریژینال طبقه خود و مهندسین اوضاع فعلی عراق را ارائه دادند. این ارزیابیها از چند نظر جالب اند:

نتیجه و حاصل این "انتخابات" با سناریو از پیشی و برنامه و نقشه عمل بوش برای "تغییر رژیم" منطبق در نیامد.

واشنگتن پست مینویسد:

" دو سال پیش وقتی پریزیدنت بوش به عراق حمله کرد چنین در نظر داشت که به سرعت حکومت عراق را به تعدادی از متحدین دستچین شده خود منتقل کند. یک حکومت سکولار که آنتی تنز حکومت تنوکراسی ایران خواهد بود و در نهایت در تقابل و دشمنی با آن قرار میگرفت.

اما، از دخالتگری آمریکا یکی از بزرگترین تناقضات با هدف این دخالتگری را در انتخابات اخیر شاهد بودیم. مردم به پای صندوقهای رای



مارس و جنبش برابری طلبی مصاحبه با خالد حاج محمدی



برخوردار خواهد بود؟



اسماعیل ویسی:

- شما مسؤول شهرها در تشکیلات کردستان هستید. ۸ مارس روز جهانی زن در راه است. برگزاری مراسمهای ۸ مارس در کردستان نوعی به یک سنت اجتماعی جا افتاده جنبش برابری طلبی زن در تقابل با قوانین اسلامی ضد زن و فضای مرد سالارانه جامعه تبدیل شده است. بطور کلی جو فضای عمومی در کردستان را چگونه می بینید؟ و آیا برگزاری مراسمهای امسال در کردستان از ویژگی خاصی

مضحکه انتخاباتی دیگر!

در مورد جلسه "هم اندیشی اصلاح طلبان کرد استانهای غرب کشور" حدود دو هفته قبل رمضان زاده سخنگوی "دولت" و یکی از مسئولین جبهه مشارکت، همراه عده ای از دوستانش در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با تنی چند از نمایندگان سابق جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان ایران آنچه که به "فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی" مشهور بود، در شهر سنندج نشستی تحت عنوان "هم اندیشی اصلاح طلبان کرد استانهای غرب کشور" داشته اند. هدف حضرات در اصل از این نشست و نشستی دیگری که گویا در اسفندماه در شهر کرمانشاه برگزار خواهند کرد،



حسین مرادیزاده

بازارگر می برای مضحکه انتخاباتی دیگری است که در راه است. اینها بی تفاوتی مردم نسبت به این "انتخابات" را شاهدند، بازارگر می میکنند تا شاید با دست و پا کردن تعدادی رای برای مرده "اصلاحات" که مدتهاست دفن شده است آبرویی بخرند و به افکار عمومی نیز نشان دهند که جمهوری اسلامی هنوز هم بازار انتخاباتش گرم است. سران شکست خورده دوم خرداد مصمم اند حتی اگر صفحه ۳

در صفحات دیگر

اعتراض مردم در مهاباد
ریزش برف سنگین و سرمای شدید در ایران

یک سرخط، یک سر مشق

مسلمانان و اقوام عرب و پاکستانی و هندی و ویتنامی و... به این یا آن نسبت رای دادند و یا رای آوردند، حتما رگ گردنش را به شما نشان میدهد که خیر انتخابات و رای در دمکراسی "ما" ربطی به ملیت و مذهب آدمها ندارد. و آنوقت باید

پرسید پس ریشه این دورویی سیاسی و معیار دوگانه برای بیان حقوق انسان و حق شهروندی و مدنی انسانها کجاست؟

آیا باید منتظر ماند تا دید که نتایج تبعی ادامه این سیاست و نگرش به حقوق مدنی انسان با تمرینهای بعدی فدرالیسم قومی به چه نتایج خیره کننده تری برسد؟ تکلیف مساله کرد در عراق به کجا خواهد رسید و مشکل هویت مدنی ساکنین شهرهای کرکوک و موصل و نجف و کربلا و بصره از کدامین پاکسازیهای قومی و مذهبی دیگر و محصولات اعجاب انگیز انتخابات محلی بین ساکنین شیعه و سنی و کرد و عرب و .. خواهد گذشت؟

حقوق انسان جهانشمول است، بدون پس زدن تقسیم شهروندان جامعه با هویتهای خرافی و جعلی قومی و ملی و مذهبی دورنمای بیرون آمدن جامعه عراق از عواقب دمکراسی قومی قبیله ای اسلامی تاریخ است. حزب کمونیست کارگری عراق تنها امید نجات انسانیت و مدافع راستین هویت مدنی و انسانی شهروندان جامعه عراق است.

۱۵ فوریه ۲۰۰۵

از حقوق و حرمت انسانی زن در جامعه ممکن نیست. آزادی و برابری در جامعه، بالا بودن حرمت انسان و رهایی واقعی از فقر و جاهلیت، از مذهب و سنت و عقب ماندگی و ایجاد دنیایی شاد و مرفه، بدون رهایی زنان ممکن نیست. امر رهایی زن و تلاش برای رهایی زنان، وظیفه و امر تمام کسانی است که برای انسان حرمتی قائلند. فراخوان من نیز این است که ۸ مارس روز قدرتنمایی صف زنان و مردانی است که انسانیت و دفاع از حرمت انسان نزدشان جایگاه والایی دارد. در این روز همه باید به میدان بیاییم و با دفاع از برابری کامل زن و مرد، با اعتراض به تمام قوانین تبعیض آمیز، با اعتراض به آپارتاید جنسی، به انسان و انسانیت ارج بنهیم. ■

همه تلفات و خسارات ویران کننده ای که بر جامعه عراق و بر مردم آمریکا نیز تحمیل کردند، این نوع تعریف وارونه از حق شهروندی، از رابطه باورهای مذهبی و قومی با قانون گذاری و حاکمیت از پایه ارتجاعی است، ضد مدنی و ضد انسانی است. این تناقض ماهوی دمکراسی و انتخابات مبتنی بر تقسیم شهروندان بر اساس قومیت و ملیت و مذهب است. و تا زمانی که چنین تعریفی از حق شهروندی و حقوق انسان مبنای سیاستهای رسمی و پایه تعیین و برکناری حکومتها و قانون گذاری و تدوین قانون اساسی و ستون دخالتهای نظامی است، دلیلی بر بهت و حیرت تحلیلگران هاج و واج مانده اکتونومیست و واشنگتن پست باقی نمیماند. خودشان از همان ابتدا گفته اند، که هیچ گرایش سکولاری در عراق وجود ندارد، تعجب از رای نیاروندن پانچه چی، سکولار تربیت شده سیا، از چیست؟

جهان را وارونه و انسان و مدنیت جوامع را وارونه میبینند. و عجیب این است که پس از اعلام نتیجه درخشان انتخابات هنوز که هنوز است ژورنالیستهای عزیز طرفدار دمکراسی بوش بر این باور نیستند که در عراق مردمی متمن، سکولار، غیر مذهبی، و غیر قومی وجود دارند. و اگر از همین رابین رایت بپرسند اگر در ایالات آمریکا و یا در فرانسه و انگلستان و آلمان در فلان انتخابات محلی یا سراسری، مسیحیان و بودائیها و یهودیها و

پیدا کرده و نیروهای اصلی میدان سیاست در فکر ارائه راه حل خود در مقابل آند. یکی مسئله زن مسلمان را به میدان میکشد و دیگری زن کرد را، یکی لباس اسلامی تنش میکند و دیگری لباس قومی. اما هیچکدام مسئله زن را حل نمیکند. هر کدام برای خود و در تلاش برای زدن حقوق زن به عنوان انسان، جهانشمول بودن این حقوق را سر میبرند و در خدمت جنبشهای خود که در پایه ضد زنند برایش کیسه دوخته اند. طبیعتا یک پای جدی کار ما روشنگری در مورد این جریانات و برداشتن پیرایه های آراسته به آن و عریان کردن هسته واقعی آنان و معرفی به جامعه است. مبارز با این جریانات و نشان دادن ماهیت اسلامی، شرقی و ضد زن آنان، یکی از کارهای جنبش برابری طلبانه زنان است. بدون این امر دفاع

باید باشد؟ و فراخوان شما برای توده های مردم در این روز چیست؟

خالد حاج محمدی: ما جنبش بدون رهبر را نداریم. تمام جنبشها رهبران و شخصیتهای خود را دارند. اگر بحث از جنبش برابری طلبانه زن است، پس رهبران و کسانی که این جنبش را نمایندگی میکنند رادیکال و ماکزیالیست هستند. میدانم و در اول هم اشاره کردم که اکنون و با قدم علم کردن جنبش رهایی زن، با طرح مطالبات رادیکال و توقعات بالا از زندگی و از حقوق زن، جریانات و گرایشات دیگر نیز در تلاشند که وارد این میدان شوند و به این جنبش آویزان شوند. به این مسئله بر میگردد. یکی از فاکتورهای اصلی و یا یکی از مسائل جدی با به میدان گذاشتن خود این رهبران و فعالین رادیکال و ظاهر و معرفی شدن به جامعه و مردم است. مبارزه زنان امری مخفی نیست و امروز دیگر مسئله از این گذشته است. به هر میزان این فعالین بیشتر شناخته شوند، به هر میزان بیشتر به عنوان نماینده مدرنیسم و برابری طلبی ظاهر شوند، به همین میزان محبوبیت آنان بالا میروند و مردم را میتوان جمع کنند. راستش تضمین امنیت آنان نیز در همین محبوب و مشهور شدن است. زنان سوسیالیست راستش را بخواهید نه تنها به عنوان رهبران جنبش برابری زن و مرد بلکه به عنوان نماینده امیالهای انسانی مردم، به عنوان رهبران مردم در ابعادی وسیع باید ظاهر شوند. در محله و مدرسه و کارخانه و شهر، باید در عرصه های مختلف مبارزات عدالتخواهانه مردم در جلو این صف، مردم را هدایت و رهبری کنند. در ضمن اگر بحث از وسعت دادن و توده ای کردن و به میدان آوردن و سازمان دادن زنان و مردم است، اگر میخواهیم این جنبش را، خواستها و مطالبات آن را در ابعادی سراسری همدست کنیم و نیرویمان را روی هم بریزیم، این امر قبل از هر کس بر دوش زنان سوسیالیست و برابری طلب است. در مورد ناسیونالیستها و سایر گرایشات هم اجازه بدهید چند نکته را بسیار خلاصه به اطلاع برسانم. من اشاره کردم که به نسبتی که جنبش برابری طلبانه زنان خود را به جامعه معرفی کرده است، به همین نسبت هم سایر گرایشات و جنبشها از ناسیونالیستها تا جنبش اسلامی به فکر افتاده و در تلاشند خود را به این جنبش آویزان کنند. مسئله زن در جامعه ایران و در صحنه سیاست مطرح شده، برجستگی

خالد حاج محمدی:

همچنانکه که اشاره کردم ۸ مارس مناسبتی است که این جنبش در ابعاد جهانی به میدان می آید و به وضع موجود اعتراض میکنند. در واقع اعتراض به آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان، اعتراض به کلیه قوانین ضد زن و ضد انسانی که در این مملکت با یک نسل کشی و کلی جنایت حاکمش کردند، روزانه در محل کار و مدرسه و خانه و خیابان آشکار و پنهان صورت میگردد. زنان بخش مهمی از این جنبش هستند و هم اکنون صاحب شخصیتهای رادیکال و رهبران با تجربه و مدنی هستند که در سطح جامعه به اسم و نام و نشان شناخته شده و محبوبند. جنبش برابری طلبانه زنان خواست و مطالبات خود را در سطح توقعات انسان امروز در کشورهای پیشرفته طلب میکند و توقعی در این سطح از زندگی برای خود دارد. حقوق زن را تابع ملیت و مذهب و نژاد و ... نمیداند و آن را جهانشمول به حساب می آورد. در جواب به سوال شما و اینکه باید چه جیتی بگیرد، شخصا فکر میکنم این جنبش رادیکال است. شعارها و مطالباتی که تا کنون اعلام کرده و از جمله مطالبات آن در مراسمهای ۸ مارس در این چند سال اخیر بسیار مدرن و ماکزیالیست بوده است. از "نه آپارتاید جنسی، نه حجاب اسلامی" تا "آزادی برابری"، بخشی از مطالبات این جنبش بوده است. من فکر میکنم اکنون فاکتور جدی توده ای کردن آن و به میدان آوردن بیشترین نیرو و تبدیل این مطالبات به خواست عمومی مردم است. باید تلاش کرد نیروی وسیعی را به میدان آورد و جمهوری اسلامی را شنیدنا تحت فشار گذاشت و عملا نیز در عرصه های این رژیم را به عقب راند. باید تلاش کرد ابعاد این حرکت را در کل ایران وسعت داد و به هم وصل شد و نیروی عظیم خود را علیه جهنم جمهوری اسلامی و قوانین حاکم بسیج کرد. این کار به ما امکان میدهند که اولاً تأثیری فوری و مثبتی در زندگی زنان گذاشت و جمهوری اسلامی را نیز به خاتمه عمرش نزدیکتر کرد.

اسماعیل ویسی: بنظر شما نقش فعالین کمونیست و شخصیتهای شناخته شده جنبش برابری طلبی و سایر جنبشهای اجتماعی دیگر چگونه باید باشد و بطور مشخص چه اقداماتی را باید در دستور قرار بدهند؟ حتما جریانات ناسیونالیستی کرد و دیگر گرایشات سیاسی هم میکوشند در این روز حضور پیدا کنند، نحوه برخورد با اینها چگونه

۸ مارس... →

خالد حاج محمدی:

همچنانکه اشاره کردی ۸ مارس در کردستان به سنتی جا افتاده تبدیل شده است. هر ساله علیرغم فضای پلیسی حاکم، زنان و مردم آزادیخواه، همگام با میلیونها زن و مرد برابری طلب در دفاع از حقوق جهانشمول زنان به میدان می آیند و مطالبات خود را به گوش مردم میرسانند. این حرکت در سالهای اخیر و یا به پای جنبش اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی و برای دنیایی انسانی تر، ابعاد دیگری به خود گرفته است. مراسمهای ۸ مارس در این سالهای اخیر هم از نظر میزان مشارکت مردم و سازماندهی و ابتکارات بسیار جالبی که بکار برده اند و هم از نظر مطالبات و شعارهای روشن و رادیکالی که داشته اند، پیشرفته و دستاوردهای زیادی داشته است.

هم اکنون تقریباً در همه شهرهای کردستان، در میان جمعها و محافل مختلف، بحث ۸ مارس، مطالبات زنان در این روز و تلاش برای مبارزه ای جدی علیه آپارتاید جنسی حاکم و کلیه قوانین مذهبی و ضد زن، داغ است. راستش اکنون تلاش برای عقب راندن ارتجاع اسلامی، تلاش برای زندگی برابر و انسانی و مبارزه علیه قوانین حاکم امری روزمره است. ۸ مارس این خاصیت را دارد و این امکان را فراهم میکند که این جنبش همراه با مردم در سراسر جهان و به عنوان بخشی از این نیرو به میدان می آید و قدرتنمایی میکند.

اگر بخواهم به ویژگی معینی در ۸ مارس امسال اشاره کنم جدا از فاکتورهای اوضاع سیاسی ایران، این است که این جنبش با معرفی کردن خود به کل جامعه به عنوان نیروی جدی و قدرتمند، مسئله زن را در دستور کل جریانات فعال صحنه سیاست در ایران قرار داده است. البته این مسئله خارج از جویهای متفاوتی که هر جریانی به تناسب اهدافی که دارد به این مسئله میدهد، در خود امری مفید است.

اسماعیل ویسی: بنظر شما تاکنون فعالیت جنبش برابری طلبی زن و مراسمهای ۸ مارس در چه جیتی پیش رفته است، از این به بعد باید چه ابعادی بخود بگیرد، چه در سطح کردستان و چه در سطح ایران؟ چه انتظاری باید از مراسمهای ۸ مارس امسال داشت؟ شعار و مطالبات کنکرت چه باید باشد؟

فضای شهر مهاباد هنوز متشنج است!

ما در اطلاعیه شماره ۱ خود اخبار اعتراضات مردم مهاباد را به اطلاع رساندیم. امروز نیز فضای مهاباد کماکان ملتتهب بود. نیروهای انتظامی هنوز وسیعاً در شهر حضور دارند، گاز شهر هنوز وصل نشده است. سرمای زیاد، عدم امکانات گرمادهی و خطر رشد بیماریهای ناشی از سرما، مردم و خصوصاً

کودکان را تهدید میکند. کمبود آب هنوز حل نشده و برق شهر هم هرچند ظاهراً وصل شده است اما مرتب قطع میشود.

بزرگترین بازار سیاه برای فروش کالاهای مورد نیاز مردم از آرد و نان تا چراغ خوراک پزی و نفت به قیمت‌های بسیار بالا بوجود آمده است. دستگیرشدگان اعتراضات

دیروز هنوز آزاد نشده و مردم از سرنوشت آنها اطلاعی ندارند. مردم بسیار خشمگین هستند و فضای شهر ملتتهب و هر آن احتمال درگیری میان مردم و نیروهای انتظامی موجود است.

با توجه به شرایط حساس و خشم مردم، امروز ماموران رژیم ناچار شدند مقداری نان را به نرخ معمول به مردم بفروشند. مسئولین رژیم قول داده‌اند مقداری نفت را نیز به قیمت

مناسب به مردم بدهند.

مردم مبارز مهاباد!

جوانان، زنان، ایتامین مایحتاج زندگی مردم وظیفه جمهوری اسلامی است و تنها با مبارزه متحدانه میتوان آنها را وادار به اقدامات جدی و فوری در این سرمای سخت کرد. برای تحقق خواسته‌هایشان و در اعتراض به این جهمی که ایجاد کرده‌اند، یکپارچه اعتراض کنید و خواهان اقدامات فوری و اضطراری شوید. مزدوران

رژیم هنوز دستگیر شدگان اعتراضات برحق دیروز شما را آزاد نکرده‌اند و این دیگر قابل تحمل نیست. خواهان آزادی فوری همگی دستگیرشدگان شوید.

کمیته مهاباد حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ بهمن ۱۳۸۳

(۱۶ فوریه ۲۰۰۵)

مضحکه انتخاباتی...

جناح راست آنان را از حق انتخاب و انتخاب شدن نیز محروم کند، از مجاهدت در راه جمهوری اسلامی، قبله آمل، خود کوتاهی نکنند و بقول جلالی پور این را بزرگترین خدمت به امر "دمکراسی" میدانند. در کردستان ایران اما این "مجاهدتها" نه به این شکل که در بسته بندی عوام فریبانه "رفع تبعیض فرهنگی" و "بالا بردن در آمد پائین استانهای کرد نشین" و "پست های کلان" به "کردها" که باب طبع سخنگویان و طرفداران پرو رژیم و غیر رژیمی ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران است، به بازار عرضه میکنند.

در مورد این مساله و اهداف پشت آن هرچند ما به مناسبت‌های مختلفی اظهار نظر کرده ایم، اما بازم بررسی مفصل تری از آن ضروری است که متاسفانه در این نوشته نمیگنجد، در اینجا و در حد این رویداد من به اختصار به دو نکته اشاره میکنم و بحث مفصلتر در این مورد را به وقت دیگری موکول میکنم.

در مورد "انتخابات" ریاست جمهوری جمهوری اسلامی، این "انتخابات" برخلاف عوام فریبی ای که سران مضمحل شده دوم خرداد راه انداخته اند از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. يك نفر در این پست فرمایشی قرار داشته و بخاطر آن حقوقی دریافت میکرده است، اکنون با تمام شدن مهلت "قانونی" او میخواهند از میان او باش اسلامی فرد دیگری را از نظر خودشان مناسب برای این کار پیدا کرده و او را در مضحکه دیگری به رای بگذارند. سیاست عمومی جناح راست هم همان است که دارد اجرا میشود، محدودیت هرچه بیشتر دامنه "خودبها" و "نفوذبها" در صفوف خود. این جناح با ولی فقیه و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و کل دستگاه سرکوب و امام جمعه ها و "حوزه علمیه" اش در صفوف خود اطاعت میخواهد، فرد و افراد مطیع میخواهد. "انتخاباتهای"

این دوره و این "انتخابات" نیز در این جهت است. بعد از تمام شدن ماموریت خاتمی و دوم خرداد، حالا که ثابت شد جمهوری اسلامی نه از درون و نه از بیرون قابل اصلاح نیست، مساله مجدداً به نفس بقاء جمهوری اسلامی در برابر ناراضیاتی عمومی و بیداری مردم گره خورده است و سرنگونی جمهوری اسلامی مجدداً به بستر هر اعتراضی در جامعه تبدیل شده است.

سران جمهوری اسلامی به این امر واقفند، از بی تفاوتی مردم نسبت به "انتخاب" و "انتخابات" آن واقفند، بفکر بازارگریمند که چطور با کمک ایادی خود مضحکه دیگری را ترتیب دهند و در آن نشان دهند که بازار انتخابات جمهوری اسلامی همچنان گرم است. رفسنجانی را هم برای این تشری گذاشته اند که با آن بازارگریمی کنند و سر یک عده را کلاه بگذارند. بازماندگان درون رژیمی دوم خرداد نیز پا به پای جناح راست در فکر بازارگریمی برای جمهوری اسلامیند و هنوز با پروژی تمام آن را در عبارت پوچ "اصلاحات هیچ وقت تمام نمیشود" عرضه میکنند. اینها که خود از بنیانگذاران دستگاه سرکوب و شکنجه و ارباب جمهوری اسلامی بودند، برای سرپا نگهداشتن آن از هیچ کوشش و هیچ عوام فریبی ای فروگذار نکرده و نخواهند کرد. باید جمهوری اسلامی ای باشد تا وجود اینها نیز معنی داشته باشد، باید استبداد و توحشی وجود داشته باشد که اینها نیز به تکرار عبارات پوچ و بی محتوی خود دلخوش کنند. نکبت جمهوری اسلامی قبله آمل اینهاست، اینها با جمهوری اسلامی آمده اند و با جمهوری اسلامی نیز خواهند رفت. در مورد عوام فریبی "رفع تبعیض فرهنگی" و "رفع درآمد پائین استانهای کرد نشین" و "پست های کلان" و غیره به "کردها"، سیاست دوم خرداد و بقایای سران این لشکر هزیمت یافته نیز ادامه همان سیاست جمهوری اسلامی در کردستان ایران بود که هنوز هم کمابیش ادامه دارد، سیاستی که در زمان ریاست جمهوری

رفسنجانی در کردستان ایران پیاده گردید. اما اینها آن را با الفاظ و عبارات خاص دوم خرداد، با اصطلاحات پوچ و بی محتوی از قبیل، "شایسته سالاری"، "قانونمندی"، "جایگزینی افراد بومی و سنی" و غیره بزرگ کردند. کل این پروژه که در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی پایه گذاری گردید، تلاشی بود برای چرخاندن فضای چپ و رادیکال کردستان ایران بسمت راست. فضای چپ و رادیکالی که با حضور قدرتمند چپ در کردستان و بر بستر دفاع از دست آوردهای انقلاب در مقابل یورش ضد انقلاب اسلامی بقدرت رسیده شکل گرفت و با نفوذ و گسترش کمونیسم تعمیق شد. تنفر عمیق مردم کردستان از جمهوری اسلامی انعکاس خود را در این فضا و از طریق اظهار وجود این صف چپ و رادیکال در اعتراضات کارگری، در اعتراضات کارگران کوره پزخانه ها، در اعتراضات سیاسی توده ای شهری و در اول ماه مه های سنجند و دیگر شهرهای کردستان ایران بیان میکرد. جمهوری اسلامی بیخالی شکستن این فضای چپ و رادیکال و بازکردن حداقل راهی برای قابل قبول کردن مزدوران و نمایندگان خود در شهرهای کردستان ایران، بعدها کسانی مانند بهاء ادب و جلالی زاده و غیره و از اینطریق تخفیف تنفر و انزجار مردم کردستان ایران نسبت به جمهوری اسلامی، به ناسیونالیسم کرد و شکل دادن به بخش پروژیومی و "خوش خیم" جنبش ملی کرد، متوسل شد. سخنگویان ناسیونالیسم کرد نیز این پیام را گرفتند و با سر به استقبالی آن رفتند. شریات و مجالسی به زبان کردی اجازه انتشار یافتند که اوایل دوز مذهبی و اسلامی آن مسلط بود و در آن قرآن و "شرح انور" و "قصص الانبیاء" و نقل و روایات "آیات عظام" و خلاصه هرچه خزعبلات و جهل و خرافه مذهبی بود به زبان کردی رواج میدادند. سخنگویان مختلف ناسیونالیست کرد، در "چهار پارچه" کردستان، از جمله حزب دمکرات کردستان ایران و سکت قومی

"زحمتکشان" آن را "تحولات فرهنگی نوین" در کردستان ایران نام گذاشتند. با عروج دوم خرداد این بار بهانه تکمیل و بزعم آنها دیگر مجاز شدند تا زیر پوشش دوم خرداد به تعریف و تمجید از جمهوری اسلامی بپردازند و با آن برای خود در جنبش ملی کرد نیز کسب اعتبار کنند. در "حسرت دیالوگ" با جمهوری اسلامی میسوختند، بخاطر این این پروژه را "پروژه آشتی از راه فرهنگی" نام نهادند، با گفتن "جناح تمامیت خواه" به جمهوری اسلامی به تقلید از سران دوم خرداد کمر به تظهير جمهوری اسلامی بستند. از همه چیز صحبت کردند، جز از جمهوری اسلامی و از جنایات و کشتار جمهوری اسلامی و آنچه که بر مردم ایران و کردستان ایران در سایه جمهوری اسلامی گذشته و میگذرد. سخنگویان پروژیومی جنبش ملی کرد، خادمین فعلی جمهوری اسلامی، هنوز هم این خط را ادامه میدهند. در فستیوال قاضی محمد در مورد وضعیت مردم کردستان ایران تحت حاکمیت حکومت سابق ساعتها سخنرانی میکنند، اما در مورد وضعیت مردم کردستان ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی لام تا کام حرفی نمیزنند. گویی اتفاقی نیفتاده است، گویی مردمی که از دست جمهوری اسلامی ذله شده اند مشکلی ندارند، اگر هم داشته باشند در حد "رفع تبعیض فرهنگی" یا "عقب ماندگی اقتصادی" و ضرورت سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در کردستان، یا جایگزینی "مقامات بومی و سنی" است. این خط هنوز هم خط بقایای هزیمت یافته دوم خرداد است. این خط بر منافع دراز مدت ناسیونالیسم کرد و جنبش ملی آن منطبق است و حتی خواستهایی که دارند در حد خواست حزب دمکرات است که جمهوری اسلامی سالیهاست آن را از حزب دمکرات "دریغ" کرده است. "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی بهانه و فرصتی شده است که سران شکست خورده دوم خرداد با نشخوار کردن عبارت پردازیهایی پوچ چندین

سال قبل خود مجدداً برای جمهوری اسلامی بازارگریمی کنند و برای خود نیز رایی دست و پا کنند تا بیخالی خود عمق کثافات و ریاکاری و عوام فریبی آنها در تحمیل چند روز بیشتر جهنم اسلامی بر مردم ایران و کردستان ایران کمتر آفتابی شود. جلسه "هم اندیشی اصلاح طلبان کرد استانهای غرب کشور" نیز ادامه این خط است، اکنون مشخصاً در خدمت بازارگریمی برای مضحکه جدید انتخابات ریاست جمهوری ترتیب یافته است. سخنگویان پروژیومی ناسیونالیست کرد نیز مثل همیشه دارند با باد زدن این مضحکه و مشروعبیت دادن به حکومت کشتار و جنایت برای جنبش ملی خود که همیشه در مقابل صف چپ و رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب جامعه کردستان پشتش به کهنه پرستی و دفاع از جهل و خرافه بوده است، سرمایه اندوزی میکنند. این ها را مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان میشناسند، اینها را در میان این مردم جایی نیست. این "انتخابات" همانطور که گفته یك جایگزینی فرمایشی است که جمهوری اسلامی و سران شکست خورده پروژیومی دوم خرداد برای انجام آن در يك مضحکه دیگر تلاش میکنند. همه میدانند در شرایط وجود "ولی فقیه" و کل دستگاه مذهبی و دستگاه آدم کشی و سرکوب جمهوری اسلامی، این مضحکه، نمایش فرمال دیگری بیش نیست. این انتخاب اوباش اسلامی است، انتخاب توده کارگر و زن و جوان سکولار و دیگر مردم آزادیخواه در ایران و در کردستان ایران گسترش مبارزه برای سرنگونی و تنها راه پایان دادن به فقر و فلاکت و بی حقوقی مطلق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی فعلی و رفع هر نوع تبعیض و ستمی در جامعه خاتمه دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است، مردم راه دیگری جز این و جز تقابل بنیادی و قهر آمیز با جمهوری اسلامی ندارند.

۱۵ فوریه ۲۰۰۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جمهوری اسلامی مسئول قربانی شدن مردم است

برف شدید و قطع آب و برق و گاز مردم را در دهها شهر ایران با خطر مرگ روبرو کرده است.

در اثر ریزش برف و سرمای شدید در چند روز گذشته در شهرهای مختلف ایران دهها نفر کشته و زخمی شده اند. طبق آمار رسمی دولت فقط در استان گیلان بیش از هفتصد روستا در محاصره برف قرار دارند، بیش از ۲۰ هزار واحد مسکونی، آموزشی و دولتی ویران شده اند و فقط در چند شهر این استان ۱۲۳ مدرسه ویران شده است و ۴۰ هزار دانش آموز آواره شده اند. این فقط آمار خسارات و قربانیان یکی از استانها است.

اخبار نگران کننده ای از استانهای غرب و جنوب کشور میرسد. در اثر برف شدید آب و برق و گاز در بسیاری از شهرهای ایران قطع شده و صدها هزار انسان در سرمای ۲۵ درجه زیر صفر با خطر سرما و مرگ روبرو هستند.

در این میان کمک رسانی و تلاش برای نجات جان مردم با کندی زیادی پیش می رود. کمبود امکانات و نیروی انسانی، عدم جوابگوئی مسئولین رژیم به وضعیت وخیمی که مردم با آن روبرو هستند تا بحال باعث کشته شدن چند نفر شده است. مردم مهاباد و چند شهر در کردستان در اعتراض به قطع، گاز و برق دست به اعتراض زدند.

رژیمی که کرور کرور خرج دستگاه

تبلیغی و سرکوش میکند و گله حزب الله سازمان میدهد، برای امداد رسانی به مردم از کمبود نیرو و پول و امکانات حرف میزند. نمونه زلزله بم نشان داد حتی کمکهای

مردم و مراجع بین المللی حیف و میل مامورین رژیم قرار میگیرد. مردمی که امروز در اثر قطع آب و برق و گاز با مرگ دست و پنجه نرم میکنند قربانی رژیم سیاهی هستند که با حیات و زندگی آنها در تناقض است. این رژیم بیشتر از هر فاجعه طبیعی بیشتر از مردم قربانی گرفته است.

مردم آزادیخواه!

با گسترش اعتراض به رژیمی که برایش زندگی مردم ذره ای ارزش ندارد، با گسترش تجربه اعتراض دیروز شهر مهاباد میتوان دست اندرکاران این رژیم را مجبور به تامین گاز و برق و نان و امکانات معیشتی کرد. علاوه بر آن تجربه بم نشان داد، لازمست کمک رسانی به مردم را راسا سازمان داد. لازمست شبکه های کمک و امداد رسانی را در سطح محله و شهر و استان سازمان داد، دست همیاری مردم را در دست هم گذاشت. مانع گسترش تلفات و لطمات به زندگی مردم شد. بویژه به یاری سالخوردگان و کودکان رسید. حزب حکمتیست از همه مردم و بویژه جوانان انتظار دارد مبتکر گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی و مبتکر سازماندهی کمک رسانی فوری به آسیب دیدگان رویدادهای اخیر باشند، شبکه کمک رسانی و همیاری در هر محله و شهر پایه این حرکت و میتواند نقش موثری ایفا کند.

حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست

۲۶ بهمن ۱۳۸۳

۱۶ فوریه ۲۰۰۵

به مردم شهرهای کردستان

کارگران، مردم آزادیخواه!

ریزش برف در یکی دو هفته اخیر و شروع سرما و یخبندان شدید در اکثر شهرهای ایران و کردستان ایران، همراه آن قطع گاز، قطع گاه و بیگاه و چند ساعته برق و کمبود سوخت در این سرمای شدید و در بعضی نقاط گران شدن سرسام آور نان و دیگر مایحتاج زندگی روزانه مردم، وضعیت خراب جاده ها که آمار تلفات را چند برابر کرده است، بر مشکلاتی که مردم با آن دست بگریباندند افزوده است و به نوبه خود آن را چند برابر کرده است.

بی توجهی مطلق جمهوری اسلامی به زندگی و رفاه مردم در این روزهای سخت بیش از همیشه خود را نشان میدهد. درآمد سرشاری که باید خرج تامین رفاه و آسایش مردم ایران شود، طعمه لفت و لیس بی حد و مرز آخوندها و سران و ایادی جمهوری اسلامی میشود، خرج دستگاه سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی میشود، به جیب امام جمعه ها و گله حزب

الله میرود، در راه فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه و در دیگر نقاط جهان صرف شده و به جیب گروههای اسلامی و تروریستی طرفدار جمهوری اسلامی سرازیر میشود. روی دیگر این خرج و مخارج عظیم از کیسه مردم ایران، تحمیل فقر و فلاکت بی حد و مرز به مردم ایران، خودداری از پرداخت حقوق ماهیانه دهها هزار کارگر و زدن حق و حقوق اکثریت عظیم این مردم است. بهای فشار ناشی از ریزش برف و تشدید سرما و قطع گاز و برق و سوخت و گرانی سریع نان و دیگر مواد غذایی را نیز باید مردمی که جمهوری اسلامی کمرشان را زیر فقر شدید خم کرده است با دست و پنجه نرم کردن با سرمای سخت زمستان و گرسنگی کشیدن هرچه بیشتر، بپردازند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن ابراز همدردی خود با مردمی که در این سرمای سخت بدون برق و گاز و سوخت کافی و لازم و بدون مواد غذایی کافی و مناسب روز را به شب و شب را بروز میسرسانند، از همه مردم شهرهای کردستان ایران

میخواهد که همانند شهر مهاباد به این وضع اعتراض کنند، خواهان تامین فوری گاز، برق و سوخت کافی و پائین آوردن نان و دیگر مایحتاج روزانه خود شوند. این وضع دیگر بس است، این وضع نباید دیگر ادامه پیدا کند. باید به حکومت اسلامی و به وضعیتی که جمهوری اسلامی به مردم در سراسر ایران تحمیل کرده است، خاتمه داد. هیچ راهی برای بیرون آمدن از وضعیت کنونی جز سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی نیست. باید یخه رهبران حکومت اسلامی را گرفت، آنها مسئول این وضعیت و مسئول همه مصائب و بدبختیهای هستند که گریبان توده کارگر و مردم آزادیخواه ایران و کردستان ایران را گرفته اند. تامین فوری گاز و برق و سوخت و امکانات معیشتی، وظیفه دستاندرکاران جمهوری اسلامی در هر یک از شهرها است. با گسترش اعتراض و مبارزه، این مطالبات فوری مردم باید به اجرا درآید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۳

۱۳ فوریه ۲۰۰۵



نه حجاب اجباری،
نه آپارتاید جنسی،
زنده باد آزادی و
برابری!

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

دبیر کمیته: حسین مرادبیگی
h_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233954

اکتبر
سردبیر: عبدالله شریفی

تلفن: 0046736975226
Sharifi_abdollah@yahoo.com

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

اکتبر چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!